روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
دوشنبه ۵ دی ۱۴۰۱ • ۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۲۶ دسامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۵۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۸
اذان صبح فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنامه شرق

• با بارش اولین برف زمستانی در اراک تفریحات زمستانی جانی دوباره گرفته است.
عکس: بهنام یوسفی/مهر

دیالوگ روز

بانوی آهنین - فیلیدا لوید - ۲۰۱۱

مارگارت تاچر (مریل استریپ): مراقب افکارت باش که کلمات رو می‌سازند.
مراقب کلماتت باش که منتهی به رفتارهات می‌شن. مراقب رفتارهات باش که تبدیل به عادت‌هات می‌شن.
مراقب عاداتت باش چون شخصیتت رو می‌سازن. مراقب شخصیتت باش که سرنوشتت رو رقم می‌زنن.
به هر چی که فکر می‌کنیم همون می‌شیم. پدرم همیشه اینو می‌گفت.

یادداشت

کاش باور می‌کردید

سید شهاب‌الدین طباطبایی

چهارم مهر ۱۳۹۱، روزنامه «شرق» با تیتر «یک میلیونی‌شدن سکه طلا» روی دکه‌ها رفت. سه ماه بعد هیئت منصفه دادگاه مطبوعات این روزنامه را به اتهام تخلف از مصوبه شورای عالی امنیت ملی، مبنی بر منع رسانه‌ها از انتشار اخبار مربوط به نوسانات بازار ارز و سکه، مجرم شناخت.

سوم دی‌ماه ۱۳۹۱ هم‌زمان با رأی به مجرمیت «شرق» بابت تیتر سه ماه قبلش، قیمت سکه در شیب صعودی ۴۰۰ هزار تومان گرانتر شد. بعد از آن هم در دوره‌هایی با روش‌های مختلف مشابه حتی برخورد با سلاطین سکه و ارز، تلاش برای رام‌کردن سرکشی‌های بازار ادامه یافت. توصیه‌ها، هشدارها و پیش‌بینی‌های عالمان اقتصاد هم البته راه به جایی نبرد که اگر برده بود، امروز شاهد سرکشی ارز و سکه نبودیم.

۱۰ سال از آن روز گذشته و قیمت سکه و ارز به عددی رسیده که چون همه رقمش را می‌دانند و از سوی دیگر برای آنکه چند وقت دیگر به اتهام اعلام واقعیتی تلخ به تلخی محکومیت دچار نشویم، اینجا نمی‌نویسم.

۱۰ سال گذشته و دو چیز همچنان بر سیاق سابق پیش می‌رود: سرکشی قیمت‌های این دو شاخص اقتصادی در فضای واقعی و اقدامات تکراری و بدون فایده مقامات اقتصادی و سیاسی برای مهار آن در فضای تخیلی.

گرچه مهم است چه کسانی، در چه دوره‌هایی، با چه شعارها و چه عملکردی کار را به اینجا رساندند، اما امروز مهم‌تر آن است که حداقل مقامات اجرائی محترم کمی متناسب با واقعیت سخت و تلخی که فارغ از تیتر و خبر، خود را بر گرده رنجور اقتصاد ایران تحمیل می‌کند، کار و اقدامی فراتر از کنترل رسانه‌ها انجام دهند. کاش به این باور ذهنی و عملی می‌رسیدند که تصمیمات سخت را برای گذر از سختی‌ها گذاشته‌اند.

کاش باور کنند این مدلِ جمع‌کردن‌ها به‌جای حل‌کردن‌هاست که کار را به اینجا رسانده است. باور کنند اقتصاد، علم است، با شعار و سخنرانی هم محقق یا نابود نمی‌شود. عدم توفیق یا موفقیت‌ها در این حوزه، قابل پیش‌بینی، قابل پیشگیری و قابل اندازه‌گیری است. انحراف از هدف در زمان به‌کاربستن نسخه‌های علم اقتصاد، قابل محاسبه، تعدیل و اصلاح است؛ مثل پیشرفت و توسعه که شنیدنی نیست، دیدنی است؛ آن‌هم در زندگی و معیشت روزانه و نه در تریبون های سخنرانی وزیر و وکیل و رئیس.

کاش حداقل با گذشت ۱۰ سال و صدباره آزمودن همه روش‌های تکراری و قدیمی، این یکی را باور می‌کردید که مجرم آن روز افزایش قیمت سکه و ارز نه روزنامه «شرق» و نه سایر رسانه‌ها نبوده و نیستند.

کاش باور می‌کردید... .

آیا روز ملی زلزله لازم است؟

مهدی زارع

پس از وقوع فاجعه زلزله بم در دی‌ماه سال ۱۳۸۲ که به کشته‌شدن حدود ۳۰ هزار نفر از هموطنان‌مان انجامید، پژوهشگاه زلزله در سال ۱۳۸۳ برای ارتقای فرهنگ عمومی در برابر این سانحه طبیعی، پیشنهاد داد که همین روز به‌عنوان «روز ملی ایمنی در برابر زلزله» نام‌گذاری شود. این درخواست از سوی دولت وقت اجابت شد و روز پنجم دی‌ماه مصادف با واقعه زلزله بم در تقویم رسمی کشور به همان عنوان پیشنهادی نام‌گذاری شد. این روز فرصتی را فراهم کرد تا هرساله با برگزاری برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و ترویجی متنوع در این روز، ضمن گرامیداشت یاد و خاطره چندده هزار قربانی این فاجعه به بررسی آخرین رخدادهای زمین‌لرزه‌های مهم در یک سال ماقبل پنجم دی‌ماه هرسال پرداخته شود. چنین روزی در تقویم رسمی کشور از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ وجود داشت.

در ۱۷ اکتبر ۱۹۸۹ (۲۵ مهر ۱۳۶۸) زمین‌لرزه لوما پریتا در نزدیکی خلیج سانفرانسیسکو در شمال کالیفرنیا در ساعت ۱۷:۰۴ به وقت محلی در بخشی از گسل سن‌آندریاس با بزرگای ۶.۹ موجب ۶۳ کشته و سه‌هزارو ۷۵۷ مجروح شد. این آخرین زلزله با تلفاتی در این حد در آمریکا تاکنون بود. قبل از آن، زلزله‌های ۲۸ مارس ۱۹۶۴ در آلاسکا با بزرگای ۹.۲ موجب ۱۳۲ کشته و ۹ فوریه ۱۹۷۱ سان‌فرناندو در کالیفرنیا با بزرگای ۶.۷ موجب ۶۵ کشته شده بود. بعد از زلزله لوماپریتا نیز زلزله ۱۷ ژانویه ۱۹۹۴ در نورث‌ریج کالیفرنیا موجب ۶۰ کشته شد. به‌هرحال بعد از رخداد زلزله ۱۹۸۹ لوماپریتا، به پیشنهاد آمریکا در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد دومین چهارشنبه ماه اکتبر هرسال را به‌عنوان روز بین‌المللی کاهش سوانح طبیعی، به یادبود جان‌باختگان زلزله لوماپریتا تعیین کرد و دهه پس از آن تاریخ را دهه بین‌المللی کاهش سوانح طبیعی- IDNDR نامید. در ۲۱ ژانویه ۲۰۰۲ برنامه «راهبرد بین‌المللی برای کاهش سوانح» به تصویب رسید. در ۲۱ دسامبر ۲۰۰۹ سازمان ملل تصمیم گرفت تا مناسبت سالانه‌ای که ۲۰ سال قبل برای هفته دوم ماه اکتبر به تصویب رسانده بود به تاریخ ۱۳ اکتبر هر سال (۲۱ مهرماه) به‌طور ثابت نسبت دهد و نام آن را نیز به «روز بین‌المللی کاهش سوانح» (International Day for disaster reduction) تغییر دهد.

در ایران ما نیز از سال ۸۹ شورای فرهنگ عمومی کشور تصمیم گرفت تا مناسب پنجم دی‌ماه به‌عنوان روز زلزله را کنار گذارد و مناسبت بین‌المللی سوانح طبیعی در ۲۰ مهرماه را به همان مناسبت روز جهانی کاهش سوانح به‌عنوان «روز ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی» در تقویم ما نام‌گذاری کند.

نام‌گذاری سالروز زلزله لوماپریتا در کالیفرنیا در سال ۱۹۸۹ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌عنوان روز جهانی کاهش ریسک سوانح با هدف توسعه فرهنگ جهانی کاهش ریسک صورت گرفت. در ژاپن، اول سپتامبر روز پیشگیری از سوانح است. این روز یادآور زلزله بزرگ کانتو در اول سپتامبر ۱۹۲۳ است و روزی است که در سراسر کشور، به‌ویژه در منطقه کانتو، تمرین آمادگی در برابر سوانح طبیعی انجام می‌شود. در یکم سپتامبر ۱۹۲۳، توکیو و نواحی اطراف آن با زمین‌لرزه‌ای با بزرگای ۷.۹ با تلفات بیش از ۱۴۳ هزار نفر ویران شد. در ژوئن ۱۹۶۰ تصمیم گرفته شد که یکم سپتامبر به‌عنوان روز پیشگیری از سوانح به‌منظور کاهش تلفات ناشی از سوانح، نام‌گذاری و گرامی داشته شود. یک سال پس از زلزله بزرگ هانشین-آواجی در ۱۷ ژانویه ۱۹۹۵ در کوبه ژاپن، دولت ژاپن تاریخ ۱۷ ژانویه را نیز به‌عنوان روز داوطلبان واکنش در سوانح در تقویم ژاپن تعیین کرد.

در نپال روز ملی ایمنی در برابر زلزله در ۱۶ ژانویه با برگزاری برنامه‌های مختلف در سراسر کشور به یاد زلزله‌ای که در ساعت ۱۴:۲۴ بعدازظهر ۱۵ ژانویه ۱۹۳۴ رخ داد، گرامی داشته می‌شود. این روز با شعار «آگاهی در برابر زلزله، سازه ایمن» با هدف ایجاد آگاهی برای ساخت سازه‌های تاب‌آور در برابر زلزله تعیین شده است. در این برنامه وزارت کشور و مؤسسه ملی مهندسی زلزله نپال (NSET) در برگزاری تمرین‌های آمادگی در برابر زلزله مشارکت می‌کنند.

در ۶ اکتبر ۱۹۴۸، زمین‌لرزه‌ای به بزرگای ۷.۳ ترکمنستان (در شوروی سابق) را لرزاند. کانون این زمین‌لرزه در حدود ۲۰کیلومتری جنوب غربی عشق‌آباد، پایتخت این کشور -در مجاورت مرز ایران- قرار داشت و حدود ۱۰ ثانیه به طول انجامید. این زمین‌لرزه ساختمان‌های خشتی را ویران کرد، سازه‌های بتنی را فروریخت، قطارها را از ریل خارج کرد و ۴۰ روستا را تخریب کرد. در این زلزله بخش‌هایی از شمال استان خراسان ایران نیز در محدوده شهرستان‌های قوچان و شیروان تخریب شد. اخبار زمین‌لرزه در آن مقطع زمانی به‌درستی به خارج از ترکمنستان منتقل نشد و رسانه‌های دولتی شوروی نیز به دلیل اعمال سانسور آن را به‌موقع و کامل گزارش ندادند. در ابتدا دولت کمونیستی ترکمنستان تعداد کشته‌شدگان را ۱۰ هزار نفر اعلام کرد. بااین‌حال، در سال ۱۹۸۸ فاش شد که تا ۱۱۰ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند که آن را به یکی از مرگ‌بارترین زمین‌لرزه‌های تاریخ تبدیل کرده است.

صفرمراد نیازوف که بعدها اولین رئیس‌جمهور ترکمنستان شد، تنها عضو خانواده‌اش بود که از این زلزله ۱۹۴۸ جان سالم به در برد! به نحوی که دو نفر از برادرانش و همچنین مادرش کشته شدند. همچنین در این زمین‌لرزه، پدربزرگ بردی محمدوف، رئیس‌جمهور فعلی نیز کشته شده است. این زمین‌لرزه عمیقا ترکمن‌های نسل‌های مختلف را تحت تأثیر قرار داد، به‌طوری که بسیاری از افراد در بستگان خود از کشته‌ها یا آسیب‌دیدگان زلزله فردی را می‌شناختند. به همین دلیل از سال ۱۹۹۵ ششم اکتبر به‌عنوان روز یادبود قربانیان زلزله و یک مناسبت بزرگ برای یادآوری خطرات آن از سوی دولت ترکمنستان تعیین شد. در این روز که در ترکمنستان تعطیل رسمی است، پرچم‌های ایالتی در سراسر کشور و در سفارتخانه‌های ترکمنستان در خارج از کشور به اهتزاز درمی‌آید. مراسم یادبود در مساجد و کلیساهای سراسر کشور برگزار می‌شود. مراسم تاج گل توسط دولت ترکمنستان در عشق‌آباد برگزار می‌شود. بسیاری بر سر قبور کشته‌شدگان می‌روند و برای آسیب‌دیدگان دعا می‌کنند.

با این مرور مختصر مشخص می‌شود که در بیشتر کشورهای لرزه‌خیز، تعیین روزی به‌عنوان روز ایمنی در برابر زلزله، به مناسبت سالروز زلزله‌ای مهم و مخرب «در همان کشور» انجام شده است. همان‌طورکه در کشور ما در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ عمل می‌شد. مناسب است تا ضمن حفظ مناسبت ۲۰ مهرماه (به‌عنوان روز بین‌المللی سوانح)، روز پنج دی‌ماه -سالروز زلزله ۱۳۸۲ بم- به‌عنوان روز «ملی» ایمنی در برابر زلزله برای بزرگداشت شایسته جان‌باختگان و مرور تاب‌آوری کشور در برابر زلزله به تقویم ما برگردد.

خاطره‌خوانی

تخریب پس از حضور شهردار

ایسنا: ساختمان «کفش ملی» یک روز پس از افتتاح موزه «صنعت سیمان» تخریب شد. نخستین ساختمان «کفش ملی» که حدود ۹ دهه، گوشه‌ای از میدان «قیام» تهران سر پا مانده و در سودای مرمت بود، سرانجام به بهانه «خطر ریزش و تهدید امنیت جانی عابران پیاده و شهروندان»، تخریب شد. این اقدام درحالی است که شهرداری تهران موزه سیمان در کارخانه قدیمی آن را به تازگی افتتاح کرده است. اکنون اما چیزی که در گوشه‌ای از میدان قیام به چشم می‌آید، جای خالی ساختمان کفش ملی است که خرواری از خاک و گچ جای آن را گرفته است. تخریب این ساختمان چندسالی به‌واسطه هشدارهای میراث‌دوستان و رسانه‌ها به تعویق افتاده بود. آنها ثبت این بنای قدیمی را خواستار شده بودند اما این اعتراض‌ها راه به جایی نبرد و سرانجام این ساختمان قدیمی، از میان برداشته شد. حال پرسش این است جای این ساختمان که بخشی از هویت تهران و مهم‌تر از آن تاریخ یک تولید ملی را در خود جای داده بود، چه بنایی قد علم می‌کند؟ کسبه اطراف این ساختمان می‌گویند: «یک هفته‌ای هست که تخریب ساختمان کفش ملی آغاز شده است». برخی حدس می‌زنند رستوران شناخته‌شده‌ای که کنار این ساختمان قدیمی است، آن را از مالک ساختمان خریده تا به وسعت رستوران خود بیفزاید.

به ذهن رسیدن این پرسش هم عجیب نیست که آیا حضور شهردار و رئیس شورای شهر در روز قبل از تخریب تصادفی بوده یا خیر؟ آیا خبری‌کردن فاز نخست راه‌اندازی موزه صنعت سیمان و ترجیح خبری یکی از آنها برای سرپوش‌گذاشتن بر خبر اتفاق دیگر نبوده است؟

یکی از کارگرها که مشغول کار در خرابه کفش ملی است، می‌گوید که شهرداری این ملک را تخریب کرده و مالک شخصی‌اش از آلمان به ایران آمده تا ملکش را بفروشد. نظرش این است که «زور پول زیاد است و هر ساختمانی را می‌توان با پول خراب کرد».

سال‌ها وعده حفظ ساختمان کفش ملی داده می‌شد و مسئولان میراث فرهنگی، سکوت کرده و واکنشی نشان نمی‌دادند، این ساختمان هرروز فرسوده‌تر از قبل می‌شد و متولیان آن‌هم، مرمت سازه را به یکدیگر پاس می‌دادند و از حفظ و مرمت این بنا، شانه خالی کردند تا سرانجام منجر به تخریبی شد که زمزمه‌هایش از سال ۱۳۹۶ شنیده می‌شد. ساختمان کفش ملی اولین ساختمان خاطره‌انگیز تهران نیست که از بین رفت و آخرین هم نخواهد بود، با چنین بی‌توجهی که به این ساختمان‌های قدیمی و تاریخی می‌شود، روزی خواهد رسید که در تهرانی بی‌شناسنامه و بدون خاطره قدم خواهیم زد.

نازنین کارگر از ساختمان کفش ملی قبل و بعد از تخریب عکاسی کرده است.